

## خبر

رئیس سازمان انرژی اتمی:

### برنامه هسته‌ای ایران نباید متهم به پنهان‌کاری شود

● ایسا؛ محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، در حاشیه نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بیان کرد: «گزارشی از سفر آقای گروسی را تقدیم نمایندگان کمیسیون کردیم. نکته مهم این است که برنامه هسته‌ای ایران که صلح‌آمیز بوده باید کاملا شفاف و مطابق موازین قانون و با تأکید بر قانون اقدام راهبردی پیش برود و اجازه ندهیم در دنیا متهم به پنهان‌کاری شویم.» او بیان کرد: «برای آزانس بین‌المللی انرژی اتمی مهم است که طبق قوانین و موازین حرکت کنیم. مجلس شورای اسلامی به اجرای قانون اقدام راهبردی تأکید دارد، از این‌رو فضایی را که در مذاکرات انجام‌شده و ملاقات‌های آینده وجود داشته و خواهد داشت، برای کمیسیون تشریح کردیم.» اسلامی درباره دوربین‌های ناظر بر فعالیت هسته‌ای ایران توضیح داد: «طبق مقررات آزانس اتمی و پادمان، دوربین‌های آزانس در سایت‌های هسته‌ای وجود دارد اما طرف‌های دیگر ضرورت نداشت آن دوربین‌ها وجود داشته باشد.» او بیان کرد: «در جریان عملیات‌های اخیر تروزیستی تعدادی از این دوربین‌ها آسیب دیده بود و این مسئله منجر به دو گزارش فوق‌العاده سخت‌گیرانه و مخرب شده بود. برای اینک رفع ابهام و شفاف‌سازی کنیم، ملاقات با مدیرکل انجام شد و مطمئن هستیم با دست‌نوردی که از این جلسه داشتیم اولا ایماهای در زمینه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز برای آزانس وجود ندارد و ثابا تعهدات برجامی را که طبق قانون مجلس نباید ادامه پیدا کند، ادامه نخواهیم داد.»

#### آزانس و آمریکا مطرح کردند

### ادعای بدرفتاری ایران با بازرسان آزانس

● یورونیوز فارسی؛ نهاد ناظر سازمان ملل متحد در مسائل هسته‌ای در گزارشی از اتفاقات «غیرقابل قبول» برای بازرسان خود در ایران خیر داد. روترز در گزارشی که به این موضوع اختصاص یافته با استناد به اظهارات دیپلمات‌های غربی اعلام کرده بازرسان زن آزانس به‌تازگی در ایران تحت نوعی بازرسی‌های بدنی نامناسب قرار گرفته‌اند که ایالات متحده آن را به‌عنوان آزار جسمی توصیف کرده است. در این گزارش همچنین به نقل از دیپلمات‌های نزدیک به آزانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ادعا شده که نخستین مورد از این آزارها سال جاری در تأسیسات هسته‌ای نظف روی داد و در جریان آن یک مأمور زن آزانس توسط کارکنان امنیتی این تأسیسات تحت بازرسی بدنی غیرضروری قرار گرفت است. آزانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در بیانیه‌ای که در واکنش به گزارش وال‌استریت‌ژورنال درخصوص آزار جسمی بازرسان زن در ایران منتشر کرد، این موضوع را تأیید کرده و آورده است: «در ماه‌های اخیر، برخی حوادث مربوط به بازرسی‌های امنیتی مأموران آزانس در یکی از تأسیسات ایران رخ داده است.» آزانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با این حال جزئیات مربوط به این بازرسی‌ها را محرمانه تلقی کرده و نسبت به جنسیت بازرسان خود و نیز شرح اتفاقاتی که در این بیانیه خود تأکید کرده که «موضوع را بلافاصله و با قاطعیت تمام با مقامات ایرانی در میان گذاشته تا به این وسیله خیلی روشن و صریح» به آنها بگوید «از این دست حوادث غیرقابل قبول» دیگر نباید برای کارکنان آزانس تکرار شود. این بیانیه می‌افزاید: «ایران توضیحاتی مبنی بر تشدید اقدامات امنیتی در بی وقوع حوادثی در یکی از تأسیسات خود ارائه کرده و در نتیجه پس از این تبادل نظر میان دو طرف شاهد اتفاق دیگری نبوده‌ایم.»

زنیب اسماعیلی‌سیویری؛ دوره یکی دیگر از اصلاح‌مثنت برجام به سر آمد. سیدعباس عراقچی که نامش به‌متن برجام و مذاکرات هسته‌ای گره خورده، در جدیدترین تصمیمات وزیر خارجه جدید از سمت خود برکنار شد. اگرچه در متن خبرهای رسمی این‌گونه نوشته نشده است. در متن خبر با عباراتی مانند «تقدیر از زحمات»، تغییر او عادی تصویر شد و سمت مشاوره وزیر نیز به او داده شد تا تغییر در معاونان وزارت خارجه در نهایت آرامش انجام گیرد. اگرچه حق هر وزیری است که با افرادی از تیم خود کار کند، اما ساده‌سازی این انتصاب دور از تعقل است.

سیدعباس عراقچی تا یک ماه بعد از انتخابات هم یکی از گزینه‌های وزارت خارجه به جای محمدجواد ظریف بود. اگرچه برخی این انتصاب را دور از ذهن می‌پنداشتند، اما این انتصاب در سطح بالایی از تعقل بود؛ زیرا برجام و تحریم‌ها مهم‌ترین مسئله دیپلماسی کشور است و اعتمادی که به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته سران نظام به عراقچی داشتند می‌توانست او را به این کرسی بنشانند. علاوه بر اینها عباس عراقچی منتسب به گروه یا جناح خاصی نبود و اگر قرار بود سخت‌گیرانه دراین‌باره یبیشیم نیز او به طیف اصولگرایان و سنتی‌ها نزدیک‌تر بود. چه از لحاظ وابستگی به سپاه پاسداران از دوران جنگ تحمیلی و چه بعدها از لحاظ وابستگی و نزدیکی‌های خانوادگی به مؤتلفه و بازاری‌های سنتی کشور. سیدعباس عراقچی تاجرزاده‌ای است که خانواده‌اش به تجارت فرش مشغول بودند و خودش نیز در کودکی و توجوانی در مغازه فرش‌فروشی پدر و برادر بزرگ‌تر به شاکردی پرداخته است. برادر بزرگ‌تر او جزو شناخته‌شده‌های اتحادیه فرش است.

##### پیام تغییر راهبرد

عراقچی با این سابقه و جایگاه در سمت خود نه‌تنها گزینه وزارت خارجه نشد بلکه در سمت معاونت نیز ایفا نشد. اینها یعنی بیلپورد وزارت خارجه در حال تغییر است؛ مشابه همان تغییری که جواد ظریف خواست با تغییر حسین امیرعبداللّهیان از سمت معاونت عربی و آفریقایی به منطقه اعلام کند. حالا قرار است به میز مذاکره این پیام داده شود که راهبرد عوض شده و اکنون عباس عراقچی با سابقه «برنامه جامع همکاری‌های مشترک» یای میز مذاکره نیست.

##### دیپلماتی که تاجر شد

او که برخلاف دیگر اعضای خانواده به جای تجارت، دیپلماسی را برگزیده، در سومین دهه از دوران کاری‌اش و بعد از گذراندن سخت و طاقت‌فرساترین مذاکرات، حالا به سمت مشاور وزیر خارجه منصوب شده است. سیدعباس عراقچی با تک موهای سفیدی در ریش و سر وارد مذاکرات شد، اما اکنون مردی میانسال با محاسن و موهایی سفیدتر است. در کتاب خاطرات

وندی شرمن، جان کبری و ویلیام بزئن از مذاکرات هسته‌ای با ایران، جابه‌جا نقش عباس عراقچی و دیالوگ‌هایش با طرفین مقابل ذکر شده است. می‌توان گفت که عباس عراقچی در چارچوبی که نظام برای دیپلماسی طراحی کرده، دیپلمات مدثری است و به‌خوبی می‌تواند در همان چارچوب اعلام‌شده حرکتی قابل اعتماد کند.

#### از کارشناس ساده‌تا سفیر و مذاکره‌کننده ارشد

عباس عراقچی متولد تهران و اکنون در آستانه ۶۰سالگی است. تحصیل‌کرده دانشکده روابط بین‌الملل است که متعلق به وزارت خارجه است. از دانشگاه کنت انگلستان، دکتری خود را در رشته اندیشه‌های سیاسی گرفته؛ اگرچه جذب هیچ‌کدام از اندیشه‌های سیاسی غربی نشده و به اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی بیشتر علاقه‌مند شده است. او در مصاحبه‌ای گفته بود که از آن دست دیپلمات‌هایی است که از پنجره وارد نشده و دقیقاً از در وزارت خارجه وارد آن شده است. او بعد از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۶۸ از سپاه جدا و وارد وزارت خارجه شد و فعالیت خود را به‌عنوان کارشناس بخش بین‌الملل شروع کرد. در سال ۱۳۷۲ اولین پست خود را که سرپرستی نمایندگی ایران در سازمان کنفرانس اسلامی بود، گرفت. این البته ابتدای راه آقای دیپلمات

##### نام نیک او باقی می‌ماند

تحقق این ارزش‌ها و آرمان‌های والا به دست نمی‌آید. آقای دکتر عراقچی از شخصیت‌ها و دیپلمات‌های طرازاولی است که هر کشوری آرزوی داشتن چنین دیپلمات‌هایی را می‌کند. و انگلستان پشتیبان این دوره‌های مختلف کاری خود در وزارت امور خارجه سوابق موفقی داشته است، اما اوج بلوغ سیاسی و بین‌المللی ایشان در مذاکرات برجام به منصف ظهور رسید و در این دوره بود که ایشان با اتکا به توانایی‌ها و خلاقیت‌های بی‌شمار خود، توانست نقش بسیار مهمی در موفقیت مذاکرات را تا رفع تاخیرات برجام ایفا کند. در مجموع، برجستگی‌های اخلاقی، صداقت حرفه‌ای و تخصص ایشان به‌عنوان یک دیپلمات برجسته چنان شخصیتی از ایشان ساخته است که مطمئن هستم نام نیک او همواره در حافظه تاریخی ملت ما باقی خواهد ماند.

## دیپلماسی

# پایان عصر عراقچی



بود. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ سفیر ایران در فنلاند شد. در سال ۸۲ یک سال رئیس اداره اول اروپای غربی وزارت خارجه بود. در دولت احمدی‌نژاد معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت خارجه شد و به همین دلیل در دوران مذاکرات هسته‌ای که توسط سعید جلیلی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اداره می‌شد نیز به‌عنوان نماینده وزارت امور خارجه حضور

داشت. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ هم سفیر ایران در ژاپن شد. دوره سفارت او در ژاپن منجر به روابط نزدیک و با اعضای دولت ژاپن شد، آن‌چنان‌که حتی در دوره مذاکرات هسته‌ای در هر شهری که میزبان مذاکرات می‌شد، سفیر ژاپن در آن کشور نیز به ملاقات عراقچی می‌آمد. بعد از بازگشت از توکیو و حضور دوباره در معاونت حقوقی و بین‌الملل، دوره کوتاهی که فاصله بین انتخابات ریاست‌جمهوری در ۹۲ سال بود، به جای رزمین‌همهان‌پرست سخنگوی وزارت امور خارجه شد؛ اما انتصاب محمدجواد طریف با سابقه کار در حوزه حقوقی و بین‌الملل، سکوی پرتاب عباس عراقچی نیز بود. البته آنها مثلثی شدند که با حضور مجید تخت‌روانچی کامل می‌شد؛ همان‌طور که در صفحه اول برجام، جواد ظریف امضا کرد «مخلص عباس آقا و مجید آقا». مذاکرات هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ همان فرصتی بود تا عباس عراقچی در آن خود را بازشناسند.

### مقایسه ساترینفیروز با آب‌میوه‌گیری و خبرهای رسمی

سیدعباس عراقچی اگرچه عمدتا کم اهل مصاحبه بود، ولی چند مصاحبه مفصل در دوران مذاکرات با چند رسانه داشت و عمدتا اطلاع‌رسانی در صداوسیما را بر عهده می‌گرفت. در پاسخ به درخواست من برای مصاحبه با «شرق» به شوخی گفت که با «شرق» مصاحبه کنم برایم حرف درمی‌آوردند و تا به این حد از منتسب‌شدن به جریان سیاسی مقابل اصولگرایان دوری می‌جوید درحالی‌که پیش از آن با نشریه دیگری از طیف اصولگرایان مصاحبه کرده بود. در سال‌های گذشته و به‌ویژه در دستگیری برادرزاده‌اش شهید ایتالخ در نظام ارزی، از قبل هم کمتر در ارتباط با رسانه‌ها قرار می‌گرفت. سیدعباس عراقچی با اشراف به کار در حوزه بین‌الملل و حقوقی و چندجانبه، بهترین گزینه برای ادامه مذاکرات بود، آن‌گونه که می‌توان گفت حافظه مذاکرات هسته‌ای بود؛ البته این در حالی بود که وزارت خارجه در دوره جدید بخواهد مذاکرات را تا رفع تاخیرات ادامه دهد و در میز مذاکره نیز به اندازه شعاری که بیرون آفاق می‌دهد، بخواهد مقاومت کند و برای مقاومت‌کردن مقابل حرف طرفین، راه‌حلی هم بتواند روی میز بگذارد. اگرچه وقّش نبود که عباس عراقچی را از مذاکرات هسته‌ای خارج کنند، اما فعلا چرخ روی دایره دیگری می‌چرخد و باید گفت خداحافظ آقای دیپلمات.



## روح‌اله نضعی؛ علی باقری‌کنی، مخالف جدی برجام، جانشین عباس عراقچی شد.

جای او را تیتز کردند، با تأکید بر اینکه مذاکره‌کننده ارشد ایران در مذاکرات احیای برجام در وین، می‌رود و کس دیگری جای او را می‌گیرد؛ کسی که مخالف برجام است.
**متولی جدید برجام؟**
اغلب رسانه‌های خارجی که خبر این نقل‌وانتقال تازه در وزارت خارجه را منتشر کردند، در همان ابتدای گزارش، با باقری‌کنی را به عنوان فردی منتقد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ یا برجام معرفی کردند. این مسئله از زاویه‌ای اهمیت دارد که عراقچی در دوران مذاکرات شروع برجام کنار دست محمدجواد ظریف، وزیر سابق خارجه و مذاکره‌کننده ارشد وقت، نقشی کلیدی در گفت‌وگوها داشت و در دوران مذاکرات احیای برجام که از ابتدای سال جاری شروع شد عملا خود مذاکره‌کننده ارشد ایران بود. اما در واقع پیش از هر گمانه‌زنی درباره تأثیر جایگاه جدید باقری‌کنی به جای عراقچی باید درباره یک نکته مکت کرد و آن اینکه هیچ قطعیتی وجود ندارد که وزارت خارجه امیرعبداللّهیان یا در واقع دولت

باقری‌کنی البته اولین‌بار نیست که در روزهای پس از پیروزی رئیسی به وزارت خارجه نزدیک می‌شود. در واقع سابقه مطرح‌بودن نام او به عنوان یکی از احتمالات وزارت خارجه وقت، مدت‌ها پیش از پیروزی او در انتخابات ۱۴۰۰ برمی‌گردد؛ در سال ۹۶ زمانی که رئیسی در رقابت با رئیس‌جمهور وقت، روحانی قرار داشت، نام باقری‌کنی، البته در کنار امیرعبداللّهیان، به‌عنوان گزینه‌های احتمالی وزارت خارجه رئیسی در صورت پیروزی مطرح بود و وقتی رئیسی بالاخره در ۱۴۰۰ و پایان دوره روحانی دولت را از او گرفت نیز این‌ام دوباره مطرح شد. او برای مدتی نه‌چندان کوتاه مسئولیت تیم انتقالی رئیسی در وزارت خارجه را در روزهای بین انتخابات و تشکیل دولت بر عهده داشت و در دفتری در وزارت خارجه مستقر شده بود. حضور او در دیدار وزیر خارجه وقت، ظریف با رسانه‌های خارجی باعث شد بسیاری به این قطعیتی که او قرار است به‌عنوان گزینه رئیسی برای وزارت خارجه معرفی شود. اتفاقات اما در هفته‌های منتهی به تغییر دولت، طور دیگری رقم خورد و حسین امیرعبداللّهیان بود که به عنوان وزیر به مجلس اصولگرا معرفی شد و البته رای اعتماد را هم به‌سادی گرفت.

##### جانشین یک نام مطرح

باقری‌کنی اما اولین‌بار نیست که به جای نامی برظمطراق می‌نشیند. او پیش‌تر نیز در زمان ریاست رئیس‌جمهور ثعلی در قیوه قضاوتیه، معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه را از محمدجواد اردشیر لاریجانی تحویل گرفت. در هر دو نمونه، او به عنوان جانشین کسی منصوب شده که تا پیش از تحویل‌سمت، نامی

## ادامه از صفحه اول

### آنگاه که رستم گفت وگورا بررزم برتر می‌داند

او خود به‌تنهایی چون در برابر یک سپاه بایستد، توان از آن سپاه بستاند و در زیر رانش هیونی دارد به نام رخشن که چون به جنبش آید، گویی که بیستون به جنبش آمده است. دیگر نباید روزگار را آسان شمرد که همه ما در آستانه گزند او هستیم. آتشی از چرخ کبود برآمده که دل ما از تف و داعی آن آتش پرودود گشته. اکنون زمان آن است که خردمندان و نادانان به گرد یکدیگر آیند و چاره‌ای یبندشند. دریغ که راه خطا رقتیم و از آغاز با آنان به آشتی برنخاستیم. اکنون به همت اندیشه ردان و مویدان راهی باید جست تا از این تنگنا برهیم.» خاقان از سخنان پیران سخت‌غمگین گشت و دست به نبایش برداشته، از جهان‌آفرین یاری خواست که چاره راه کدام است که چنین سپاه جنگجویی بر ما تاخته. شنگل، پادشاه هند گفت: «چرا سخن را به درازا می‌کشاید؟ ما خود از جای‌جای جهان به یاری افراسیاب آمده‌ایم و از مهرورزی‌های او هدایا و کنجینه‌های بسیار دریافت کرده‌ایم، چرا در برابر یک سگزی که به جنگ ما آمده، این‌گونه روزگار را بر بویشتن تنگ کرده‌اید؟ ننگ است که از یک مرد با بیم و هراس سخن بگویند. اگر کاموس زمانش به سر رسیده بود، نباید آن را از دل‌آوری و تیزچنگی آن سگزی بدانیم. سبیده‌مان گزرها را برکشیم و در این دشت، یکسر بر ایرانیان بتازیم و هوا را چسبون ابر بهاران گردانیده، بر ایشان تیر ببارانیم و از گرد سسم ستورانمان و از زخم تیر پهلوانانمان هیچ ایرانی به جای نگذاریم که سر از پای بازشناسد. همه نگاه شما آنگاه که می‌خورشم و می‌جوشم، بر من باشد که سپاهیانمان صدها هزارند و در میان آنان دلبران و رادمردان بسیاریند. چرا باید از یک تن این‌گونه زار و بیجان بشویم؟ چنین گمان کنید که او زنده‌یل مست است و در آوردگاه چون شیران، دشمنان را به چنگال خویش می‌گیرد؛ خواهید دید که چگونه با این پیل بازی کنم که دیگر پای به میدان رزم نگذارد.» پیران چون این سخنان از شنکل پشنیدن، دل کهن‌سالش جوان گشتت و به او گفت: «آرزو می‌کنم جوان بمانی و در این پیکار بیروزی از آن تو نباشد.» همه نامداران و شخص خاقان چین، شاه هند را آفرین گفتند و چون پیران به لشکرگاه توران بازگشت، همه پهلوانان سرزمینش چون هومان و نستئین و بارمان، پیرامون او را بگرفتند و نتیجه گفت‌وگویی او با خاقان چین را جویا شدند که آیا خاقان بر آن است که به آشتی روی آورد یا اندیشه جنگ در سر دارد. پیران آنچه را شنکل، پادشاه هند گفته بود، به هومان بازگفت و یادآور شد که سپاه چین و هند نیز با او هم‌آوا شده‌اند. هومان از سخنان شنگل سخت برآشتفت و او را شوربخت خواند هرچند که می‌دانست از قضای آسمان کس را گذر نیست. هومان نزد کلباد رفته، به او گفت: «کوبا شنگل را در سر خرد نیست، اگر خرد می‌داشت، به سود و زیان این نبرد می‌اندیشید. خواهی دید از این لشکر یبکران که ما را همراهی می‌کنند، دو بهره بر خاک خواهند افتاد و جوشن آنان، کفش‌شان خواهد شد.» کلباد گفت: «ای پهلوان، این‌گونه فال بد بمن و دل خویش را بگوین. مگردان، شاید رویدادها به‌گونه‌ای دیگر رقم بخورد. برای آنچه روی نداده، غمین مباش.» از دیگر سوی رستم، پهلوانان سپاه ایران چون توس و گودرز و رهام و گیو و فریبرز و گستم و خراد را فراخواند و با آنان به گفت‌وگو بنشست و بیزن و گنیز نیز به آنان پیوستند. همتن به آنان گفت: «بدانید، آن‌گاه که بخت بر کسی روی آورد، جهانگیر و پیروز در جنگ شود و این پیروزی را نه از نیروی خود که از یزدان بداند. شایسته است راه ایزدی و بخردی را در پیش گیریم‌که گیتی همواره یکسان نخواهد بود و از کزّی و ناراستی دوری جویم». پیران خود غمین و دلشکسته به نزد من آمد و از آندوه مرگ سیاوش گفت و نیز از فرنکیس و کیخسرو بسیار یاد کرد. با آنکه در خواب دیدم، پیران به کین سیاوش کشته خواهد شد و پیش از او، برادرش، هومان و فرزندش در خاک و خون خواهند غلتید اما نمی‌خواهم خون پیران به دست من ریخته شود، چراکه می‌دانم در دل او جز راستی، اندیشه دیگری نیست و اگر خود به نزد من بازگردد و گناهکاران را به ما بسپارد، هر آنچه گذشته، فراموش خواهد شد که از این پس مرا اندیشه پیکار نیست و جز راستی در جهان رندی دیگر نمی‌جویم و سپاه تورانی و چینی و هندی، باید نزد ما تاج و کین فرستد تا از آنان دیگر آرزدگی و نرجشی نباشد که گیتی به هستی نگاهی جز جنگ و خونریزی دارد.» ابا آتک اندر دلم شد درست/ که پیران به کین گشته آید نخست/ برادرش و فرزند در پیش اوی/ بسی باگهر نامور خویش اوی/ ابر دست کیخسرو افراسیاب/ شگفته کنه این دیده‌ام من به خواب/ گنهکار یک تن نماند به جای/ مگر کشته افکنده در زیر پای/ ولیکن نخواهم که بر دست من/ شود کشته این پیر با انجمن/ ز جنگ آشتی بی‌گمان بهترست / که ننگ که گاوت به جرم اندرست.

نگاره

<sup>[1]</sup> آنگاه که رستم گفت وگورا بررزم برتر می‌داند